آسیب‌های مصرف مواد مخدر و ضرورت اصلاحات قانونی

علیرضا جمشیدی*

آن‌چه در دنیای امروز در زمینهٔ اعتیاد به مواد مخدر توجه برانگیز شده، اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر کاهش صدمه است که از رهگذر آن، اقدام‌هایی سازمان‌دهی می‌شوند که تا حد ممکن، از وسعت و شدت گرفتن صدمه‌های ناشی از اعتیاد ـ چه در بعد سلامت فردی و چه سلامت جمعی ـ بکاهد. این برنامه‌ها در پی شکست سیاست جنایی عدم مدارا (Zero tolerance)، که سال‌هاست اعمال می‌شود، در کانون توجه قرار گرفته است.

در سال‌های اخیر سیاست کاهش آسیب‌های مواد مخدر توجه قانون‌گذار را جلب کرده است. در خصوص سیاست جنایی قضایی ایران در برخورد با آسیب‌ها، می‌توان از یک سیاست پیشرو ـ حتا فراتر از سیاست جنایی تقنینی ـ سخن به میان آورد.

کلید واژه‌ها: اعتیاد، سیاست جنایی، کاهش آسیب، معتاد، مواد مخدر

تاریخ دریافت مقاله: 1383/4/24 تاریخ پذیرش مقاله: 1383/6/25

* حقوقدان، دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی <Jamshidi@Iranjudiciary.org>

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-05]

مقدمه

موضوعي كه از زواياي گوناگون نگراني سياستگذاران بسياري از كشورها را برانگيخته و توجه آنان را جلب كرده، آسيب هاي ناشي از مصرف مواد مخدر است كه بسته به وضعيت خاص هر كشور نيازمند بازنگري در قوانين، مقررات و شيوه هاي اجرايي خاص است. كشور ايران به لحاظ نوع موقعيت جغرافيايي ـ اقتصادي كه در منطقه داراست، از يك سو در همسايگي بزرگ‌ترين كشور توليدكنندة تريا‌ك و تا اندازه اي هروئين است، و از سوي ديگر گذرگاه اصلي عبور محموله هاي م واد مخدر به كشورهاي اروپايي و نيز بازار مناسبي براي مصرف آن است.

اين موضوع سبب شده تا آسيب هاي جدي اجتماعي، اقتصادي، سياسي، فرهنگي و بهداشتي بر كشور ايران وارد آيد، كه مي توان به مواردي از جمله بروز بيماري هاي جسماني و واگير چون ايدز، هپاتيت و حتا بيماري ه‌اي رواني، هم‌چنين ازدياد جرايم مرتبط با پديدة اعتياد، سرقت، قتل، خودسوزي، بي كاري، خشونت خانگي، كودك آزاري، افزايش آمار طلاق، افت تحصيلي دانش آموزاني كه والدين آن‌ها معتادند اشاره كرد.

وانگهي همكاري با كشورها در سطح بين المللي و منطقه‌اي و هماهنگي و انطباق قوانين و مقررات ميان آن‌ها و نيز همكاري‌هاي جامعة جهاني، رهيافت مطالعاتي است كه در چند سال اخير به منظور برون‌رفت از مشكل موجود در دستور كار مسئولان ايراني قرار گرفته است. پس از گذشت 7 سال از اجراي قانون اصلاحي مواد مخدر مصوب 1376و تجربة 20 سالة مبارزه با مواد مخدر و نيز استفاده از تجربه‌هاي كشورهاي ديگر، سه كميتة كشوري تشكيل شد كه مركب بودند از چند نفر از استادان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-05]

دانشگاه در رشته هاي حقوق و اقتصاد، نمایندگان مجلس شوراي اسلامي، قاضیان با تجربه و وکلاي دادگستري. این کمیته ها به منظور اصلاح «قانون مبارزه با م واد مخدر»، تهیة «قانون پول‌شویي» و «قانون مجازات‌هاي اجتماعي» سازمان یافت که با توجه به الحاق ایران به پیمان نامه‌هاي 1961 نیویورك و پیمان‌نامة 1971 سازمان ملل متحد علیه قاچاقچیان مواد مخدر و روان گردان؛ هم‌چنین پیمان‌نامة 1988 سازمان ملل متحد براي مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهاي روان گردان و امضاي پیمان‌نامه 2000 علیه جرایم سازمان یافته، اهداف مهمي از این قبیل را دنبال مي‌کند:

الف) انطباق قانون با پیمان نامه‌هاي (کنوانسیون) بین‌المللي.

ب) تعیین رژیم ویژة مسئولیت معتاد.

ج) تنوع‌بخشي در پاسخ گویي به جراي م مربوط به مواد مخدر.

در این مقاله به اختصار در باب اهم موارد یادشده، به ویژه آسیب هاي ناشي از مواد مخدر و طرق کاهش آن‌ها سخن مي‌گوییم.

1) انطباق قانون با پیمان‌هاي بین‌المللي

براساس الزام ها و توصیه هاي موجود در پیمان‌نامه‌ها، از جمله پیمان نامة 1961 نیویورك، پیمان‌نامة 1971 و پیمان نامة 1988 و نیز پیمان‌نامة 2000، به نظر مي رسد قوانین داخلي کشور ایران در ابعاد مختلف، از جمله «پول‌شویي» و «مبارزه با آسیب هاي ناشي از تغییر الگوي مصرف» نیاز به اصلاحاتي در خصوص جرم‌انگاري دارد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-05]

1-1) جرم انگاري تطهير پول (پول‌شويي)

جرم انگاري شست‌وشوي پول‌هاي نامشروع، به طور رسمي از حدود شانزده سال پيش، يعني تصويب پيمان نامة وين 1988 مطرح شده است؛ هرچند كه عمل شست وشوي پول به سال هاي 1920-1940 ميلادي برمي گردد. در واقع مي‌توان گفت در اسناد بين المللي با دو نوع تطهير پول مواجه ايم:

نخست، تطهير خاص كه ناظر به تطهير درآمدها و سرمايه‌هاي ناشي از قاچاق مواد مخدر است كه در بند ب مادة 3 پيمان‌نامة 1988 وين به آن اشاره شده است؛ و دوم، تطهير عام كه در واقع ناظر به پاك‌نمايي درآمدها و سرمايه هاي ناشي از ارتكاب همة جرايم است كه در مادة 6 پيمان‌نامة سال 2000 به تفصيل آمده است (ميرمحمد صادقي، 1379).

در كشور ايران ابزارها و روش هاي پول‌شويي، به علت گستردگي بخش نارسمي اقتصاد با بسياري از كشورها متفاوت است. عمليات پول شويي از مسير قاچاق سازمان‌يافتة مواد مخدر و كالا عبور مي‌كند. اين موضوع تأثيرات مخربي از جمله فرار سرمايه از كشور، ازدياد خط فقر و... بر اقتصاد كشور به جاي گذاشته است.

در راستاي هماهنگي با پيمان نامة مذكور و مبارزة جدي‌تر با پديدة پول شويي و نيز كاهش آسيب‌هاي وارده بر اقتصاد كشور، «كميتة كشوري تدوين قانون مبارزه با پول شويي» پس از م طالعات تفصيلي به ويژه مطالعات ميداني و استفاده از نظريه‌هاي كارشناسان به ويژه كارشناسان سازمان ملل متحد و نيز برگزاري سمينارهاي ملي و جهاني، به تدوين پيش‌نويس لايحه‌اي كه كليات آن به تصويب مجلس رسيده است اقدام كرد.

از نوآوري هاي اين لايحه مي توان به تعريف بزه پول‌شويي ـ كه خود به اختلاف نظرها در اين زمينه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-05]

پايان مي‌دهد ـ تعريف و برشماري دارايي هاي با منشاء نامشروع و سرانجام ـ و از همه مهم‌تر ـ به تشكيل شوراي مبارزه با پول‌شويي اشاره كرد.*

2-1) مبارزه با آسيب‌هاي ناشي از تغيير در الگوي مصرف

در دهة گذشته حجم وسيعي از داروها و پيش‌سازها، استفاده‌اي فراگير و عمومي يافت، كه از يك سو در پيمان‌نامه‌هاي 1961، 1971 و 1988 مدنظر قرار نگرفته است و از سوي ديگر قانون گذار ايران از سال 1338 به اصلاح آن اقدام نكرده است.

اين موضوع سبب شيوع مصرف استروئيدهاي آنابوليك، قرص هاي هيجان‌آور، نظير اِكستاسي، داروهاي آرام‌بخش ـ و ساير داروهاي جديدي كه در قانون سابق جرم شمرده نشده (!) ـ شد كه در حال حاضر موجب بروز آسيب هاي جدي شده اند.** از جمله موجبات اين آسيب ها، زيان هاي جسماني حاد (فوري) و مسموميت، زيان هاي جسماني ناشي از مصرف مزمن

---

*ر. ك: مواد 1 و تبصرة آن، و 7 لايحة مبارزه با پول‌شويي. توضيح آن كه اين لايح ه در مركز مطالعات راهبردي توسعة قضايي تهيه شد.

** به منظور كسب اطلاع بيشتر در اين زمينه، به ويژه فهرست داروهاي روانگردان ياد شده، ر. ك به قانون مربوط به مواد روانگردان مصوب 1354/2/8، به ويژه مادة 1 اين قانون در تعريف اين مواد؛ همچنين فهرست موادي كه دراين قانون بدانها اشاره شده است؛ نيز قانون الحاق به كنوانسيون سازمان ملل متحد براي مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهاي روانگردان مصوب 1370/9/3؛ هم چنين تصويب‌نامة 1378/5/2 هيأت وزيران راجع به فهرست مواد مخدر و تصويب‌نامه‌ها و آئين‌نامه‌هاي اجرايي قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب1367 اصلاحي 1376.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-05]

(درازمدت)، سهولت تزريق، علايم جسماني محروميت، علايم رواني محروميت، زيان‌هاي اجتماعي به ويژه بروز تصادفات جاده اي ناشي از مسموميت وتغيير الگو است. در بازنگري قانون فهرست مواد مخدر و روان‌گردان مصوب سال هاي 1338 و 1354 ـ كه با دقت و بهره‌گيري از تحقيقات كتابخانه‌اي و ميداني، به ويژه بررسي توصيه هاي پيمان هاي جهاني، سازمان بهداشت جهاني و نيز ملاحظة قوانين كشورهاي مختلف صورت گرفت ـ كلية انواع مواد مخدر براساس قدرت و اثر تخريبي آن ها به چهار گروه اصلي تقسيم و با استناد به آن‌ها جرم‌انگاري شده است.

فهرست شمارة 1 شامل داروها و موادي است كه داراي قدرت زيادي براي ايجاد اعتياد هستند و هم‌اكنون اثرات درماني ندارند و فاقد استفاده هاي پزشكي هستند. استفاده از اين مواد هميشه منجر به اعتياد مي‌شود كه به عنوان نمونه در اين گروه مي‌توان به هروئين اشاره كرد.

فهرست شمارة 2، موادي را دربرمي‌گيرد كه داراي قدرت اعتيادزدايي بالا بوده، ولي به شكل كاملاً كنترل شده در پزشكي نيز مصرف دارند. اعتياد به اين دسته مواد مي‌تواند به صورت فيزيكي و رواني باشد و تحت شرايط قانوني در اختيار حِرَف مختلف پزشكي قرار گيرد. داروخانه‌ها با تجويز پزشك حق فروش آن ها را دارند، ولي مجاز به انبار كردن آن‌ها نيستند. در اين گروه به عنوان نمونه از مرفين مي‌توان نام برد.

داروهاي فهرست شمارة 3 اغلب منجر به اعتياد جسمي متوسط تا خفيف و اعتياد رواني شديد مي‌شوند. ضوابط امنيت و حفاظت آن ها خفيف‌تر از فهرست‌هاي 1 و 2 است و تحصيل آن‌ها تنها با نسخة پزشك ممكن است.

امكان سوءاستفاده از داروهاي فهرست شمارة 4

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-05]

در مقايسه با فهرست‌هاي 1 و 2 و 3 كاهش مي‌يابد: داروهاي اين گروه موارد استفادة پزشكي تأييد شده دارند و پزشكان مي توانند اين تركيبات را تجويز كرده و داروخانه ها مي‌توانند آن‌ها را به فروش برسانند؛ در برخي از كشورها بدون نسخة پزشك در اختيار قرار مي گيرد؛ ولي در قانون پيشنهادي نامبرده دسترسي بدون نسخة تجويزي پزشك ممنوع است. (جمشيدي، 1382؛ 3 به بعد)

2) تعيين رژيم ويژة مسئوليت معتاد

براساس برخي آمارهاي منتشر شده در كشور ايران معتادان حرفه اي 800/000 نفر و استعمال كنندگان تفنني مواد مخدر قريب 2 ميليون نفرند؛ حتا برخي آمارهاي غيررسمي از وجود 6 ميليون معتاد حرفه‌اي و غيرحرفه‌اي در كشور حكايت دارند. اين موضوع به تدريج در ميان افراد كم سن و كودكان نيز سرايت كرده و سبب بروز آسيب‌هاي جدي در لايه‌هاي اجتماعي شده است. شيوع بيماري ايدز كه براساس آمار رسمي مبتلايان آن تاكنون 7000 نفر گزارش شده است، عمدتاً ـ 65 درصد ـ از راه سرنگ هاي آلودة معتادان به مواد مخدر بوده است. افزايش طلاق در ميان زناني كه شوهرانشان معتادند، فقر، بي كاري، سرقت، خودكشي، خودسوزي، قتل و ديگر جرايم مختص معتادان به مواد مخدر بيانگر آسيبهاي جدي بر پيكر اجتماع است كه هر روز رو به افزايش است

سياستگذاري در كشورهاي مختلف براي مقابله با اعتياد در سال هاي متمادي نوسان هايي به دنبال داشته است: از سياست كيفري «عدم مدارا»*تا

* سياست كيفري «عدم مدارا» (Zero tolerance)، اصطلاحي بر جاي مانده از روش برخورد آمريكاييان با بزه كاران در شهر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-05]

آزادي كامل و نيز تدابير بينابين در كشورهاي مختلف به بوتة آزمايش گذارده شده است. قانون‌گذار ايران نيز طي سال هاي گذشته واكنش هاي متفاوتي از خود بروز داده است.

در مادة 8 قانون تشديد مجازات مرتكبان جرايم مواد مخدر مصوب سال 1359، براي استعمال‌كنندگان هروئين و مرفين، يك تا سه سال حبس جنحه اي، و براي استعمال كنندگان ساير مواد مخدر و نيز معتادان ولگرد شش ماه تا سه سال حبس جنحه اي در نظر گرفته شده بود. در واقع سياست جنايي ايران در خصوص استفاده از مواد مخدر، در اين مقطع زماني، عدم مدارا بوده است. پس از گذشت 6 سال از اجراي قانون ياد شده و بروز ناكارآمدي آن، سياست مذكور تعديل شد و به موجب مادة 15 قانون مبارزه با مواد مخدر سال 1367، سياستي بينابين پيش‌بيني شد: بر اين اساس به معتادان موادهاي مخدري چون بنگ، چرس، ترياك، شيره و سوخته ترياك كه سن آنان كم تر از 60 سال بود به من ظور ترك اعتياد 6 ماه مهلت داده مي شد و در صورت عدم ترك، تا ترك كامل اعتياد به مراكز بازپروري و نگه‌داري اعزام مي‌شدند كه ماهيت نگه داري در اين مراكز به طور كامل متفاوت و جدا از محيط حبس بود.

افزون بر آن، معتادان به موادي چون هروئين، مرفين، كدئين و متادين و ديگر مشتقات شيميايي

نيويورك كه منظور از آن مبارزة بدون تسامح و رواداري است و مطابق آن قانون‌گذار با شدت تمام و با توسل به ابزارهاي سركوبگر زرادخانة كيفري خود به دفع جرايم مي‌پردازد. براي كسب اطلاع بيشتر ر. ك به مادة 15 اصلاحي همين قانون در آلن بوئر و اگزويه روفر. **خشونت و ناامني شهري**. ترجمة محرضا گودرزي بروجردي. انتشارات مجد، 1382.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-05]

مرفين و كوكايين، از همان ابتدا به مراكز ياد شده اعزام شدند. براساس مواد 16 و 17 قانون ياد شده در صورت اعتياد مجدد معتاداني كه مراحل مذكور را سپري كرده بودند، براي آن ها مجازات كيفري درخواست مي‌شد. در واقع سياست اعطاي مهلت و ديدگاه مبتني بر تقدم تدابير اصلاحي بر مجازات‌ها دستاورد سياست‌گذاري در اين مقطع زماني بود.

وانگهي مراكز مذكور در عمل با ناكامي مواجه شدند؛ چرا كه مدتي پس از كار ارزيابي معتادان ترخيص شده، در عمل منحل شدند.

قانون 1367 در سال 1376 اصلاح شد و به موجب مادة 15 اين قانون، اعتياد ـ چون گذشته ـ جرم انگاشته شد. با اين همه به معتادان اجازه داده شد به مراكز ترك اعتياد مجاز مراجعه كنند.* اين شيوة ترك اعتياد نيز كه به درمان سرپايي اعتياد شهرت گرفت ـ و از آن مي توان به ترك اختياري و مجازات اجباري هم ياد كرد ـ در عمل مثمرثمر واقع ن شد. شايد عدم تبحر و امكانات ناكافي پزشكان از يك‌سو و عدم امكان مراقبت دقيق معتاد از سوي ديگر، از علل ناكارآمدي اين نوع سياست‌گذاري باشد كه هم‌اكنون نيز ادامه دارد.

پس از گذشت قريب 6 سال از قانون مذكور، هم‌اكنون در اصلاحات جديد نيز برآنيم تا ضمن جرم‌انگاري اعتياد، پاسخي غيركيفري براي معتاد در نظر بگيريم تا معتاد خود موظف به ترك اعتياد شود و بتواند براي ترك اعتياد به مراكز دولتي و خصوصي مجاز مراجعه كند، و در غير اين صورت به مجتمع‌هاي «حرفه‌آموزي» و كاردرماني اعزام شود. براساس مادة 12 و 13 اين قانون براي قطع

* ر. ك به مادة 15 اصلاحي همين قانون

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-05]

وابستگي جسماني و رواني معتادان امكانات حرفه‌آموزي و كار، تا حداكثر 18 ماده، پيش‌بيني شده است. افزون بر آن در مادة 12 لايحة پيشنهادي مذكور استفاده از تدابير جايگزين نگه داري در مجتمع‌هاي حرفه آموزي و كاردرماني همراه با مراقبت‌هاي ويژه، منظور شده است.

هرچند مجازات معتادان متخلف از شروط مندرج، در مادة 14 لايحة پيشنهادي مذكور از 6 ماه تا 2 سال حبس يا جريمة نقدي تا ميزاني معين است، ولي اين مجازات در واقع مجازات تخلف معتاد از تكاليفي است كه به منظور ترك اعتياد براي او تعيين شده است، نه ضمانت اجراي كيفري اعتياد.

از دستاوردهاي مهم سياست‌گذاري جديد، جداسازي معتادان از ساير مجرمان است كه بي شك به منظور كاهش آسيب اقدامي مؤثر است، ولي امكان اثربخشي اين شيوة نوين نيز در گروي فراهم كردن امكانات لازم به منظور حرفه آموزي، نظارت دقيق بر آنان حين آزادي و استفاده از نهادهاي مرد مي و افراد متخصص در چنين مجتمع‌هايي است.

3) تنوع پاسخ‌گويي به جرايم مواد مخدر

مجازات حبس از سدة هجدهم ميلادي با اهميت يافتن حق آزادي در جامعه، و خشن و غير انساني جلوه گر شدن مجازات‌هاي بدني به مثابة ابزار نوين تحكيم نظم در جامعه، برگزيده شد (فوكو، 1381: 21). در اين نگرش به جاي اعمال مجازات بر جسم مجرم، جداسازي وي از اجتماع، تغيير موقعيت و جايگاه وي و قرار دادن او در محيطي بسته به عنوان مجازات طرف توجه قرار گرفت. و در واقع هدف از اعمال مجازات، ارعاب مجرمانِ بالقوه فرض گرفته شد (بولك، 1382: 32).

در اواخر سدة نوزدهم ميلادي با رواج انديشه‌هاي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-05]

جرم‌شناسانه و توجه به علل جرم و مبارزه با علت‌ها به جاي معلول، كه با تولد جرم شناسي ممكن شد، هدف از اعمال مجازات نيز تغيير كرد. در اين دروه اصلاح و درمان مجرمان و مبارزه با علل جرم، رسالت كيفر تلقي شد . ولي كارنامة اين دورة زندان نيز بيان‌گر آن است كه تئوري اصلاح و درمان در محيط بسته زندان ناكارآمد جلوه كرد.

همچنين جزاي نقدي كه مجازاتي از پيش تعيين شده بود در بسياري از موارد به خصوص در ايران به لحاظ عدم امكان پرداخت، منجر به حبس شد (دامغاني، 1356، مقدمه).

بدين ترتيب زندان كه روزي به عنوان مجازات جايگزين كيفرهاي بدني قرار گرفت، نيازمند جايگزين ديگري شد. اين رويكرد جديد امروزه در دستور كار سياست گذاران بخش قضايي قرار گرفته است. در اين چارچوب لايحه اي مستقل تهيه مي شود و مراحل نهايي خود را در قوه قضاييه مي گذراند كه بر دو محور اساسي استوار است: كاهش آسيب هاي ناشي از تحمل مجازات حبس بر محروميان و اصلاح‌پذيري بيشتر آنان در محيط خارج از زندان؛ و ديگر كاهش آسيب هاي اجتماعي به ويژه آسيب هاي وارده بر خانواده و بستگان نزديك مجرمان.

اين نوع پاسخ ها در قالب «دورة مراقبت»، «خدماتِ عمومي»، «جزاي نقدي روزانه» و «محروميت از حقوق اجتماعي» آمده است.

3-1) دورة مراقبت

همان‌گونه كه گذشت تحقيقات نشان داده است كه زندان براي بزهكاران از يك سو كاركرد اصلاحي و تربيتي ندارد، و از سوي ديگر، سبب آسيب هاي گريزناپذير، بر آنان و خانواده هايشان مي شود. بنابراين اقدام كارآمدتر و عادلانه تر آن است كه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-05]

به جاي زنداني كردن اين مجرمان، آنان را در جامعه و در ميان ساير شهروندان تحت مراقبت و بازپروري قرار دهيم . به اين ترتيب محكومٌ عليه حيثيت و جايگاه اجتماعي خود را از دست نمي‌دهد و ضمن حفظ بخشي از آزادي خود به منزلة يك شهروند مسؤول، رفتارش تحت مراقبت و نظارت يك مأمور متخصص يا يك شهروند ديگر يا يك نهاد مدني قرار مي‌گيرد. براساس مواد 11-15 لايحة مجازات هاي اجتماعي ياد شده دورة مراقبت دوره اي است كه طي آن دادگاه فرد را با رعايت شرايط مندرج در مادة يك همين قانون به جاي تحمل حبس يا جزاي نقدي با الزام شرايطي چون حرفه آموزي يا گذراندن دورة آموزشي، اقامت يا منع اقامت در محل معين، ترك معاشرت با افراد خاص، ارائة خدمات به بزه ديده و... تحت مراقبت قرار مي‌دهد.

3-2) خدمات عمومي

از ديگر مجازات هاي اجتماعي، خدمات رساني عمومي است كه بر ط بق آن، محكوم عليه به انجام كار رايگان در يك مؤسسة عمومي مانند بيمارستان ها، مراكز ارائة خدمات اجتماعي، شهرداري ها و مانند آن‌ها مجبور مي‌شود. ولي انجام اين كارها مترادف با بي‌كاري و كار اجباري نبوده، بلكه به منظور بازپروري و اصلاح محكومٌ عليه از رهگذر جلو گيري از محكوميت به زندان، و بروز آثار منفي آن بهره‌گيري از ظرفيت هاي بازپروري، اشتغال به كارهاي عام المنفعه و نيز جبران خسارت هايي كه مجرمان به واسطة ارتكاب جرم به اجتماع وارد كرده اند، است.

طبق مادة 16-19 لايحة پيشنهادي مذكور، «خدمات عمومي خدماتي است به ن فع جامعه كه محكومٌ عليه بدون دريافت دستمزد به دستور دادگاه انجام

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-05]

مي‌دهد. دادگاه با توجه به نوع جرم، سن، جنس، توانايي جسماني و رواني و مهارت شخص [متهم]، به انجام خدمات عمومي حكم مي‌دهد.»

3-3) جزاي نقدي روزانه

مجازات جزاي نقدي كه نوعي مجازات سنتي است بر مال و دارايي شخص محدوديت ايجاد مي كند و در تعيين آن، بيش از آن‌كه به مجرم نگريسته شود، به طور معمول به جرم ارتكابي و مجازات قانوني آن توجه مي‌شود. در ايران اين مجازات در عمل ـ به لحاظ عدم امكان و فقدان قدرت پرداخت ـ منجر به نگه‌داري محكومٌ عليه در حبس مي‌شود؛ كه اين موضوع بر مناسبات خانوادگي، گروهي، شغلي و اقتصادي افراد صدمه وارد مي كند. حال آن‌كه «جزاي نقدي روزانه» تنها باعث ايجاد كاستي در درآمد يا دارايي محكومٌ عليه مي‌شود و ساير بخش هاي زندگي اجتماعي فرد را متأثر نمي‌كند.

به موجب مواد 22-26 لايحة پيشنهاد ي مذكور، دادگاه با توجه به درآمد محكومٌ عليه و در نظر گرفتن هزينه‌هاي زندگي وي و نيز شدت جرم ارتكابي به لحاظ شرايط مندرج در اين مواد، به پرداخت جزاي نقدي روزانه حكم صادر مي‌كند.

3-4) محروميت از حقوق اجتماعي

محروميت از حقوق اجتماعي كه ممكن است از طرف قاضي به منزلة مجازات اصلي و يا تكميلي استفاده شود، بسيار متنوع است.

براساس مواد 26-28 لايحة پيشنهادي مذكور، دادگاه مي‌تواند با رعايت شرايط مندرج در مادة 1 همان قانون به جاي تحمل حبس يا جزاي نقدي، براي مدت معيني پاره اي از حقوق اجتماعي وي را سلب كند؛ حقوقي از قبي ل انفصال از خدمات و مشاغل

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-05]

دولتي و عمومي، منع از اشتغال يا ايجاد كسب و حرفة معين، محروميت از حق رانندگي و تصدي وسايل نقلية موتوري يا ابطال گواهينامه هاي رانندگي و محروميت از دريافت آن تا سه سال، محروميت از استفادة پروانة شكار يا حمل سلاح و... .

4) نتيجه‌گيري

در پايان اين نوشتار مي توان نتيجه گرفت كه سياست جنايي ايران دورة نويني از حيات خود را سپري مي‌كند. اين تحول را مي‌توان در سياست جنايي تقنيني، قضايي و اجرايي مشاهده كرد.

در خصوص سياست جنايي تقنيني، مي‌بايست از يك‌سو انطباق قوانين با پيمان نامه‌هاي بين المللي و همسويي با تحولات جامعة جهاني در نظر گرفته شود و از ديگر سو، رفع نيازها و برآوردن مشكلات امروزين. به ويژه براي آن دست مشكلات جامعه كه به سبب آسيب‌هاي ياد شده به وجود آمده، مي بايست با بهره‌گيري و اتخاذ سياست‌هاي معقول، كارآمد و عملي، راهكارهايي چون دو ري از سياست‌هاي جنايي سختگيرانه يا همان «عدم مدارا»ي گذشته، هم‌چنين تنوع‌بخشي به پاسخ‌هاي اجتماعي براي مقابله با آسيب‌هاي اجتماعي و بزه، مدنظر گرفته شود؛ گذشته از توسل به جامعه و مجازات‌هاي اجتماعي از رهگذر اتخاذ سياست‌هاي جنايي مشاركتي، تهيه و تدوين لايحة مجازات‌هاي اجتماعي را نيز نبايد از ياد برد. افزون بر آن، قانون‌گذار ايراني مبارزه با پديدة جرم سازمان يافته ـ چالش نوين دستگاه هاي عدالت كيفري ـ را نيز با تدوين لايحة مبارزه با پول‌شويي از ياد نبرد.

در باب سياست جنايي قضايي نيز، هنگام برخورد با آسيب‌ها به ويژه آسيب‌هاي ياد شده، مي‌توان از يك سياست جنايي قضايي پيشرو ـ حتا فراتر از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-05]

سیاست جنایی تقنینی ـ سخن به میان آورد؛ زیرا برخی دادرسان نوآور گاه حتا پا را از محدوده و تفسیر سنتی قوانین موجود فراتر نهاده اند و با توسل به ارائهٔ جایگزین کیفرهایی چون حبس، تعدیل و کاستن از خشکی و سختی قوانین مواد مخدر را دنبال می‌کنند. آن‌ها با توسل به پاسخ‌های غیرکیفری و ترمیمی به جای مجازات حبس و شلاق ـ به ویژه در خصوص نوجوانان ـ و سرانجام مبارزهٔ پرتوان با مفاسد اقتصادی، در این زمینه نقشی محوری ایفا کرده‌اند. با این همه از آم وزش و بازآموزی دادرسان و آموزش مستمر آنان نباید غافل بود.

سیاست جنایی اجرایی نیز، به ویژه بخش های اجرایی قوهٔ قضائیه و قوهٔ مجریه، توان خود را در برخورد با این آسیب‌ها به کار گرفته‌اند که از آن جمله به برنامه‌ریزی در مبارزه با پول‌شویی و یا ایجاد ستاد مبارزه با مواد مخدر ـ که البته قدیمی‌تر است ـ ، نیز نهادهای خیریه، ابتکارهای جامعهٔ مدنی در نگه داری دختران فراری، اقدام های سازمان بهزیستی و کمیتهٔ امداد به منظور حمایت از زنان و کودکان بزه دیده و بی سرپرست، می‌توان اشاره کرد. با این همه و همان گونه که گذشت، ایران به خاطر وضعیت جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و منطقه ای خودش در برخورد با این آسیب‌ها با چالش‌های فراوانی مواجه است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-05]

منابع
References

1. آشوري، محمد (1382)، **«مجازات‌هاي جايگزين»**، نشر گرايش.
2. بوكر، آلن و روفر، **«خشونت و ناامني شهري»**، ترجمه محمدرضا گودرزي بروجردي (1382)، نشر مجد.
3. بولوك، برنار، **«كيفرشناسي»**، چاپ سوم، ترجمه علي‌حسين نجفي ابرندآبادي، (1382)، نشر مجد.
4. جمشيدي، حميدرضا، (1382)، **«آشنايي با فهرست مواد مخدر و روان گردان»**، كارگاه آموزشي قضايي، مشهد.
5. دامغاني، محمتقي، (1356)، **«صدسال بيش از اين»**.
6. فوكو، ميشل، **«مراقبت و تنبيه»**، ترجمه نيكو سرخوش و افشين جهانديده (1381)، نشر ني، تهران.
7. مركز مطالعات راهبردي قوه قضاييه (1381)، **«پيشنويس لايحه مجازات‌هاي اجتماعي»**، تهران
8. مركز مطالعات راهبردي قوه قضاييه (1382)، **«لايحه مجازات‌هاي اجتماعي ـ بخش دوم»**، تهران.
9. مركز مطالعات راهبردي قوه قضاييه (1382)، **«لايحه مبارزه با پولشويي»**، تهران

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-05]